راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛

\*- صوت 128 اختلاف الامر و النهی بالاطلاق و التقیید

\*- خصوصیت اولی که فرمودند ما این خصوصیت را فرض کنیم که ببینیم که این امتناع زایل میشود یا خیر ؟

گفتن بگوییم یک امر به یک جامع داریم و یک نهی از یکی فردی از افراد جامع داریم و با این تفکیک ، بخش تکلیف بالمحال از بین می­رود. ولی شهید میگوید اشکال التکلیف محالٌ که در مرحله مبادی است از بین نمی­رود.

3/288 وإنّما المهمّ تحقیق حال السبب الأول للتنافی : پس مهم این که ببینیم اشکال التکلیف محالٌ که در مرحله مبادی است از بین می رود یا خیر ؟ برخی گفتند از بین میرود و برخی گفتن از بین نمی­رود.

4/288 لأنّ وجوب الجامع یسری ولو بمبادئه إلی الحصص : کسانی که گفتند از بین میرود اینطوری که بگوییم این مبادی ناظر به جامع و کلی اند و سرایت به حصه نمیکنند. امر به صلاة خورده و در کلی صلاة باقی میماند و نهی هم به یک حصه خاص خورده و اینها ربطی ندارند. امر به یکجا و نهی به جای دیگری خورده است. در واقع این گروه این مبنا را قبول داشتند که حکم از جامع به حصص سرایت پیدا نمیکند.

5/288 ولو بلحاظ عالم المبادئ : شهید صدر میگوید ولی اگر شما قائل شدید حکم از جامع به حصص سرایت پیدا میکند - قبلا شهید در بحث التخییر فی الواجب در تخییر عقلی، اتجاه سوم را قبول کرد و دارد در اینجا با آن اتجاه پیش می­رود. متن صوت 120 ؛ -

شهید صدر میگوید اینجا باید بحث شود که اگر شما قائل شدید که تخییر عقلی دربرگیرنده تخییر شرعی و وجوبات مشروطه نسبت به حصص است این یک حالت میشود. – البته اینکه بگوییم تخییر عقلی دربرگیرنده ی وجوبات مشروطه این در عالم جعل میرود و لزوم اینکه جعل به حصص اون جامع هم رسیده باشد که شهید در قبلا گفت اینکه بگوییم جعل سرایت کرده سخت است ولی میتوانیم بگوییم حب سرایت پیدا کرده و کار خودمان را راحت کنیم.-

اگر بگوییم این محبوبیت به حصه سرایت میکند هرچند که خود جعل سرایت نکرده ولی محبوبیت به حصه سرایت کرده است در اینحالت نمیتواند بگویید امر به یک چیزی تعلق گرفته و نهی به چیز دیگری. زیرا امر سراغ حصه خاص آمده و نهی هم سراغ حصه خاص آمده است. - حتی بالاتر شهید میگوید اگر اون حصه محبوب بود ولو محبوبیتش هرچند به حد وجوب نبود ولی دیگر نمی­شود این حصه مشمول مکروه یا بغض شود.-

\*-6/288 : شهید صدر میگوید، از طرفی برای رد این خصوصیت الاولی مکتب محقق نائینی برهانی آورده است که اینجا در بحث اطلاق و تقیید ، و مکتب نائینی خواسته اند بگویند که اجتماع امر و نهی محال است حتی اگر قائل به نظریه استبطان نباشیم؛ یعنی حتی نگوییم تخییر عقلی دربرگیرنده تخییر شرعی و وجوبات مشروطه نسبت به حصص است. بدون این هم امتناع داریم برای اجتماع امر و نهی.

محقق نائینی میگوید صلّ مطلق است در هر جایی میتوانی نماز بخوانی. اینجا در حقیقت تنافی میان امر و نهی نیست بلکه نهی با اطلاق امر تنافی پیدا کرده است چگونه ؟ اطلاق یعنی لحاظ عدم القید ، لحاظ عدم القید یعنی ترخیص و اباحه که تو مکلف اون کلی و جامع را تطبیق کنی بر هر یک از این حصص یعنی هرجا دلت خواست فی البیت ، فی السمجد و ... نماز را بخوانی. از یک طرف شارع ترخیص ارائه کرده و از یک طرف نهی و تقیید بیان کرده و اینها تنافی دارند.

\*- 1/289 والفرق بین إثبات التنافی بطریقه المیرزا هذه : نظر مرحوم نائینی در حقیقت جایی به درد میخورد که اون نهی نهی الزامی باشد زیرا ترخیص با کراهت قابل جمع است. میشود چیزی اباحه با دو حکم الزامی وجوب و حرمت قابل جمع نیست ولی با مکروه و مستحب قابل جمع است.

* نکته : منظور شهید از مکتب محقق نائینی منظورشان آقای نائینی و خوئی است زیرا برخی را در بحث های نائینی نمیبینید ولی آقای خوئی گفته است.-
* \*- 2/289 ولکنّ التحقیق : أنّ طریقه المیرزا هذه فی إثبات التنافی غیر وجیهه:
* پاسخ شهید صدر به نظر نائینی :

شهید میگوید اشکال کلام میرزا این است که میرزای نائینی خلط کرده میان ترخیص وضعی و ترخیص تکوینی؛ این دو با هم خلط شده است. این اشکال از کجا ناشی شده اولا اینکه اطلاق را غلط معنا میکند . ایشون میگوید اطلاق لحاظ عدم القید است ولی ما میگوییم عدم لحاظ القید . از همینجا انحراف شروع شده که ما اطلاق را یک امر موجبی بگیریم یا یک امر عدمی؛

\*- الترخیص الوضعی : مدلول لاطلاق الامر و هو ترخیص فی تطبیقه طبیعة علی کلّ فرض حتی الفرد منهی عنه؛ و مفاد الترخیص الوضعی انّه لو تطبق علی الفرد منهی عنه کان ایجاد للطبیعة و مجزی عن الطبیعة و هو لا ینافی النهی التکلیفی. مثل صحت و حرمت ؛ مثلا میگویید این عقد صحیح است ولی حرام است و بحث کردند آیا حرمت تکلیفی مستلزم بطلان است؟ بسیاری علماء میگویند نه مستلزم ندارند. یکی وضعی است و یکی تکلیفی است. ترخیص اینجا هم ترخیص وضعی است و ربطی به حرمت تکلیفی ندارد. اگر ترخیص تکلیفی بود مشکل ایجاد میکرد یکی میگفت انجام بده و یکی میگفت انجام نده.

\*- الترخیص التکلیفی : لیس مدلول لِلاطلاق الامر و انّما هو یستفاد من بیانٍ خاصٍ ؛ ترخیص وضعی مدلول اطلاق امر است ولی ترخیص تکلیفی مدلول اطلاق امر نیست.

شهید صدر میگوید، مرحوم نائینی بین این دو اشتباه کرده است.

4/289 إنّما یستلزم عدم المانع من قِبَل الأمر فی تطبیق : یعنی خود امر ، قید را لحاظ نکرده است ولی آیا اینکه خود شارع لحاظ کرده است عدم القید را این را ما نمیدانیم و اون دلیل خاص میخواهد.